

مروری بر روش‌های تفسیری امام سجاد (علیه‌السلام)

(تاریخ دریافت: ۹۶/۱۱/۲۹، تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۲۰)

جمال فرزند وحی*، زهرا جلیلیان**، سهیلا امینی***

چکیده

قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) رابطه‌ای همه‌جانبه با هم دارند و پس از پیامبر (صلی الله علیه و آله)، عترت ایشان عهده‌دار تفسیر و تبیین آیات هستند. امام سجاد (علیه‌السلام) به عنوان یکی از راسخان در علم الهی به تفسیر آیات پرداخت و در کشف مقاصد الهی از روش‌های تفسیری گوناگونی استفاده نمود. وی با به‌کارگیری این روش‌ها سهم بسزایی در فهم معارف قرآنی ایفا کرد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که امام سجاد (علیه‌السلام) به عنوان مفسر قرآن کریم با در نظر گرفتن شرایط زمانی خود، گاهی با کمک آیات قرآن، گاهی با استناد به سنت و نیز با به‌کارگیری عقل و مراجعه به تاریخ و تعیین مصداق برای برخی آیات، پرده از حقایق برداشته و آیات را تفسیر کرده‌اند.

واژگان کلیدی: روش تفسیری، امام سجاد (علیه‌السلام)، روایات تفسیری.

مقدمه

خداوند متعال قرآن را کتاب هدایت و نور معرفی کرده است که ذاتاً دارای بیانی روشن برای انسان‌ها است و فهم آن برای هیچ گروه یا دسته‌ای منحصر نشده است؛ اما چون درک همه معارف عظیم آن به تنهایی میسر نیست، تبیین مضامین و پیام‌های قرآن و تفسیر آیات آن را بر عهده پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) گذاشت. بنابراین تفسیر قرآن امری ضروری است و این امر مهم به روشنی در سیره رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و عترتش مشهود است. آن‌ها در تفسیر قرآن دارای اصول و مبانی مشترک هستند و روایات تفسیری که از معصومان (علیهم‌السلام)

* (نویسنده مسئول) عضو هیئت علمی دانشگاه رازی؛ farzandwahy@yahoo.com

** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ nyayeshjalilian26@gmail.com

*** دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم؛ eshragh71.z@gmail.com

نقل شده، نشان‌دهنده این هستند که آن‌ها در این امر مهم نظام‌مندان عمل کرده و روش‌های مختلفی را برای تفسیر و تبیین آیات به کار برده‌اند.

علی بن حسین (علیه‌السلام) مشهور به زین‌العابدین و سجاد، (۳۸-۹۵ق) چهارمین امام شیعه است. کنیه آن حضرت، ابومحمد و ابوالحسن بود و آن حضرت را قاسم هم می‌گفتند. القابش: سیدالساجدین، زین‌العابدین، سجاد و ذوالثغفات بود. از این جهت ذوثغفات می‌گفتند که محل سجده آن حضرت در پیشانی پینه گرفته بود. پس از پدر ارجمندش سی و چهار سال امامت کرد و بقیه خلافت یزید بن معاویه، معاویه بن یزید، مروان بن حکم و عبد الملک بن مروان را درک کرد. در زمان خلافت ولید بن عبد الملک به شهادت رسید. چنانکه مشهود است، قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) رابطه تنگاتنگی باهم دارند و هر دو ثقلینی هستند که هرگز از هم جدا نمی‌افتند. به بیانی اهل بیت (علیهم‌السلام) قرآن ناطق هستند و هر کدام به نحوی در صدد تبیین و تفسیر وحی الهی بودند. کشف و شناخت شیوه‌های تفسیری هر یک از ائمه، موضوعیت خاصی در قرآن دارد؛ در همین راستا، درک روش‌های تفسیری امام سجاد (علیه‌السلام) نیز، برای کشف معانی و الفاظ آیات قرآنی، در تفسیر قرآن اهمیت خاص خود را دارد. امام سجاد (علیه‌السلام) نیز به عنوان یکی از درخشان‌ترین مفسران قرآن کریم، با توجه به شرایط عصر خویش و مخاطبانش، نکات تفسیری شگفت‌انگیزی را در علم تفسیر ارائه داده است. این نکته قابل تأمل است که امام (علیه‌السلام) در شرایط سخت سیاسی قرار داشتند و دوره ایشان از لحاظ سیاسی و فرهنگی، تاریک‌ترین عصر قلمداد شده است. (ر.ک: ابراهیم حسن، ۱۳۷۶: ۲، ۱۳۵) در این عصر مردم به دوران جاهلیت بازگشته بودند و قواعد اسلامی در دوران استبداد و ظالم حکومت اموی، توسط زمامداران اموی از بین رفته بود. شرایط حاکم سبب شده بود که امام (علیه‌السلام) نتواند با مردم آنچنان که باید تعامل داشته باشد (ر.ک: شریف قرشی، ۱۴۰۹: ۲، ۳۷۲-۳۷۵) اما آن حضرت با وجود چنین شرایط سخت، لحظه‌ای غفلت نکردند و با بهره‌گیری از شیوه‌های گوناگون به تبیین و تفسیر معارف الهی مبادرت ورزیدند. شناخت اهم روش تفسیری امام سجاد (علیه‌السلام)، همچون سایر ائمه از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، چرا که هر کدام از روش‌های تفسیری آن حضرت می‌تواند مبین این باشد که مفسران باید متناسب با عصر و زمان خویش، تفسیری مقتضای حال جامعه ارائه دهند.

در این باره کتاب‌هایی مانند: روش‌شناسی اهل بیت در تفسیر، تأویل و تطبیق قرآن اثر حسین تقوی دهقانی، آسیب‌شناسی و روش‌های تفسیر معصومان (علیهم‌السلام) اثر علی اکبر رستمی را می‌توان نام برد. این‌گونه از کتاب‌ها با نگاهی کلی و مختصر به روش تفسیری اهل بیت (علیهم‌السلام) پرداخته‌اند.

مقالاتی در همین موضوع، نگاشته شده‌اند و روش‌های تفسیری برخی از معصومان (علیهم‌السلام) نیز به طور جداگانه بررسی شده‌اند. در این میان مقالاتی نیز به روش تفسیری امام سجاد (علیه‌السلام) نگاشته شده است از جمله:

– مقاله «امام سجاد (علیه‌السلام) و روش‌های تفسیری»: محمدعلی اسدی نسب، ماهنامه کوثر، شماره ۵۷. در این مقاله ده روش به عنوان روش‌های تفسیری امام (علیه‌السلام) بیان شده و طبق گفتار خود نویسنده بحث ناتمام مانده است.

– مقاله «تجربه تفسیری و امام سجاد (علیه‌السلام)»: علی شیروانی، انجمن معارف اسلامی، زمستان ۱۳۸۴، شماره ۵. در این مقاله این قسم از تجارب دینی با تأمل بر نیایش‌های امام سجاد (علیه‌السلام)، بررسی و محورهای اساسی بینش آن حضرت درباره این قسم از تجارب تحلیل و تبیین شده است.

– مقاله «روش‌شناسی روایات تفسیری امام سجاد (علیه‌السلام) در حوزه تبیین معنا»، رحمان ستایش، محمد کاظم؛ مهدوی راد، محمدعلی؛ عذرا میثاقی، بهار و تابستان ۱۳۹۷. در این مقاله دامنه پژوهش به روایات تفسیری امام سجاد (علیه‌السلام) در حیطه بیان معنا محدود شده است.

– مقاله «گونه‌های روایات تفسیری امام سجاد (علیه‌السلام) در حوزه تعیین مصداق»: سهیلا جلالی کندری، عذرا میثاقی. در این مقاله پس از استخراج روایات تفسیری آن حضرت از مهم‌ترین تفاسیر روایی شیعه و کتب حدیثی، گونه‌های آن روایات در بیان مصداق آیات مورد بررسی قرار گرفته است.

در مقاله حاضر، با روش توصیفی-تحلیلی به اهم روش‌های تفسیری امام سجاد (علیه‌السلام) پرداخته می‌شود و با نگاهی ریزبینانه و تحلیل گرایانه، شاهد مثال‌هایی ذیل هر کدام از روش‌ها ذکر می‌شود، تا روش‌های نام برده شده توسط امام سجاد (علیه‌السلام) به طور کامل روشن و آشکار باشد.

بحث و بررسی

۱- مفاهیم

۱-۱- تفسیر: از ریشه «فسر» است و به معنای جدا کردن، بیان، تفصیل، توضیح دادن، کشف و آشکار ساختن امر پنهان یا اظهار نوعی معنی است که درباره آن تعقل و اندیشه بکار رفته و معقول است. برخی نیز آن را مبالغه با «فسر» دانسته‌اند. (ر.ک: فراهیدی، بی تا: ۷، ۲۴۸؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳، ۴۳۷؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵، ۲۵۵؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۴، ۵۰۴؛ فیومی، بی تا: ۲، ۴۷۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۶۳۶)

در اصطلاح، تفسیر عبارت از بیان کردن معنای آیه‌های قرآن، روشن کردن و پرده‌برداری از اهداف و مدلول آن آیه‌ها است. (طباطبایی، ۱۴۰۲: ۴، ۱۰۵) و نیز آن را این‌گونه تعریف کرده‌اند: بیان مفاد استعمالی آیات قرآن و کشف مراد خداوند و مقاصد الهی از آن بر مبنای قواعد ادبیات عرب و اصول محاوره عقلانی است. (بابایی، ۱۳۸۱: ۱، ۱۶)

۱-۲- روش: استفاده از ابزار یا منبع خاص در تفسیر قرآن است که معنای و مقصود آیه را روشن ساخته و نتایج مشخصی را به دست می‌دهد. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۲۳)

روش تفسیری عبارت از مستند یا مستندات است که مفسر بر اساس آن، کلامی را که خود ساخته و پرداخته است، به عنوان تفسیر کلام خدا و معنی و مقصود آیات الهی قلمداد می‌کند و تنها راه دستیابی کامل به مقاصد قرآن را منحصرأ همان مستند یا مستندات می‌شمارد و دیگر مبانی و روش‌ها را تخطئه می‌کند و آن‌ها را برای رسیدن به همه مفاهیم و مقاصد قرآن کافی نمی‌داند. (عمید زنجانی، ۱۳۶۷: ۱۸۷)

۲- انواع روش‌های تفسیری امام سجاد (علیه السلام)

امام سجاد (علیه السلام) همانند دیگر ائمه، از طرق مختلفی برای تفسیر وحی الهی، بهره جسته است. روایات تفسیری بابی مهم و مؤثر برای دستیابی به این روش‌ها است و علاوه بر این با توجه به شرایط زمانی و موقعیت مکانی، امام (علیه السلام) بیشتر اوقات آیات الهی را در قالب دعا نیز تفسیر کرده‌اند. در ادامه اهم این روش‌ها ذکر شده است.

۱-۲ روش تفسیر قرآن به قرآن

تفسیر قرآن به قرآن یک روش کهن و کاملاً متقن، قابل تفهیم و بیان است که از روزهای آغازین نزول وحی و پیدایش تفسیر نشأت گرفته است. رسول خدا نیز نخستین مفسر وحی الهی است که برای تفسیر قرآن، ابتدا از خود آیات استفاده می‌کردند؛ در این باره می‌فرمایند: «همانا در قرآن برخی از آیات، برخی دیگر را تصدیق (تأیید)

می‌کند.» (هندی، ۱۴۱۳: ۱، ۶۱۹) در این روش آیات قرآن منبعی برای تفسیر آیه دیگر قرار می‌گیرند. به نوعی آیات قرآن به کمک آیات دیگر توضیح داده شده و مقصودشان مشخص می‌شود.

این روش توسط رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پایه‌گذاری شد و ائمه معصومان (علیهم‌السلام) نیز به تبع، آن را نخستین منبع و معیار تفسیر خود قرار دادند و با به‌کارگیری این روش تفسیری سهمی عظیم در توسعه این روش داشتند. علاوه بر این برخی از صحابه و تابعین نیز از این روش استمداد جستند. امام سجاد (علیه‌السلام) در پاسخ سوال شخصی درباره «معصوم» آیه‌ای را به وسیله آیه‌ی دیگر تفسیر کردند. شخصی عرض کرد: ای فرزند گرامی رسول خدا معنی معصوم چیست؟ فرمود: معصوم شخصی است که به واسطه چنگ زدنش به ریسمان الهی و جدا نشدنش از آن هرگز به گناهی آلوده نگردد و رشته محکم خدا، قرآن است که آن دو تا روز قیامت از یکدیگر جدا نگردند و تا رستاخیز امام هدایت به قرآن می‌کند و قرآن به امام راهنمایی می‌نماید و این همان فرموده خداوند متعال است که می‌فرماید: ﴿إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمٌ...﴾ (اسراء/۹) «همانا این قرآن به راهی که استوارتر است، هدایت میکند.» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۱۳۲) در حقیقت امام سجاد (علیه‌السلام) آیه‌ی: ﴿وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...﴾ (آل عمران/۱۰۳) را با این قسمت از آیه ۹ سوره مبارکه اسراء تفسیر نمودند. عباد بصری در راه مکه امام سجاد (علیه‌السلام) را دیدند. به حضرت گفت: جهاد و سختی آن را رها کرده‌ای، به حج و آسانی آن روی آورده‌ای؟ خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ (توبه/۱۱۱) «یقیناً خدا از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را به بهای آنکه بهشت برای آنان باشد خریده، همان کسانی که در راه خدا پیکار می‌کنند...» حضرت فرمودند: ادامه‌ی آن را هم بخوان! عباد آیه‌ی: ﴿التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّاجِدُونَ الرَّائِعُونَ السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (توبه/۱۱۲) «اینان همان از گناه پشیمانان، خداپرستان، حمد و شکر نعمت‌گزاران، روزه‌داران، نماز با خضوع گزاران، امر به معروف و نهی از منکرکنندگان و نگهبانان حدود الهی‌اند و مؤمنان را بشارت ده.» را خواند. حضرت فرمود: اگر یاران ما این صفات و کمالات را دارا بودند، بر ما واجب بود قیام کنیم و در آن صورت، جهاد از حج برتر بود. (عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵، ۴۶) امام سجاد (علیه‌السلام) در پاسخ سائل، آیه ۱۱۱ سوره مبارکه توبه را با آیه ۱۱۲ همان سوره پاسخ داد.

در روایتی دیگر امام سجاد (علیه السلام) چنین فرمودند: از گناهای که پشیمانی بر جای می‌گذارد، [یکی از آن‌ها] کشتن کسی است که خداوند کشتن او را حرام کرده است: ﴿وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ...﴾ (اسراء/۳۳) «و نفسی را که خدا حرام کرده است، نکشید.» خداوند در داستان قابیل فرمود: «وی چون هابیل را کشت و از دفن او عاجز شد، نفس سرکش او قتل برادرش را در نظر وی خوب جلوه داد.» ﴿...فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ﴾ (مائده/۳۱) «...پس از این کار سخت پشیمان گردید.» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۷۰) امام (علیه السلام) در این روایت برای روشن ساختن مقصود خود ابتدا گناه را به وسیله آیه اول معرفی کرده و سپس به وسیله آیه دوم آثار آن را بیان می‌دارد که همواره از ابتدای خلقت آدم، قتل نفس چیزی جز پشیمانی ندارد.

۲-۲- روش تفسیر قرآن به سنت

همه روایاتی که از معصومان (علیهم السلام) صادر شده، به منظور بیان ابعاد مختلف شریعت بوده و توضیح و تفسیر کلیاتی است که در قرآن کریم درباره احکام، اخلاق و آداب ذکر شده است. خداوند خطاب به پیامبرش می‌فرماید: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (نحل/۴۴) «و این قرآن را به تو نازل کردیم تا برای مردم آنچه را به ایشان نازل شده بیان کنی، شاید اندیشه کنند.» (معرفت، ۱۳۷۹: ۲، ۲۱)

سنت پس از آیات قرآن کریم به عنوان شارح قرآن، بهترین و یکی از لازم‌ترین منابع تفسیری برای شناخت معارف الهی است. پر واضح است که عترت معصومان (علیهم السلام) بر مبنای حدیث متواتر «تقلین» همسنگ قرآن بوده و در نزد شیعه از جایگاه خاصی برخوردار است و «ثقل اصغر» در برابر «ثقل اکبر» است که حجتی برای تبیین آیات قرآن محسوب می‌شود. بر همین اساس امام سجاد (علیه السلام) نیز گاهی برای تبیین و تفسیر آیات قرآن از این روش تفسیری بهره جسته و برای دستیابی به معارف قرآنی از روایات نبوی استفاده کرده است.

امام سجاد (علیه السلام) در تفسیر آیه ی ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا...﴾ فرمود: «پیامبر (صلی الله علیه و آله) با اصحابش در مسجد نشسته بود و تعلیم احکام می‌دادند. مردی از در وارد شد _ شبیه به مردان مصری بود _ سلام کرد و گفت: یا رسول الله من شنیده‌ام که خداوند متعال فرموده است: ﴿وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا...﴾ آن حبل کجاست و کیست که ما را به اعتصام دستور فرموده است؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله)

خوب سخنان وی را شنید و آنگاه با اشاره به علی (علیه‌السلام) فرمود این است: «هَذَا حَبْلُ اللَّهِ الَّذِي مَنْ تَمَسَّكَ بِهِ عَصِمَ فِي ذُنُوبِهِ وَلَمْ يَضِلَّ فِي آخِرَتِهِ» آن مرد آمد و با دست دادن به امام (علیه‌السلام) با وی بیعت کرد و گفت: «اِعْتَصَمْتُ بِحَبْلِ اللَّهِ وَ حَبْلِ رَسُولِهِ» و بیرون رفت. (بحرانی، ۱۴۱۵: ۱، ۶۷۰) همان‌طور که مشهود است امام سجاد (علیه‌السلام) تفسیر خود را به کلام رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مستند می‌کند تا با ذکر روایت نبوی مقصود الهی را مشخص کند؛ زیرا با استناد به گفتار پیامبر (صلی الله علیه و آله) ذهن مخاطب را اقتناع کرده تا زمینه را برای پذیرش مستمعان ایجاد کند. حضرت سجاد (علیه‌السلام) در معنای آیه‌ی: «أَنْ تَقُولَ نَفْسُ يَا حَسْرَتِي عَلَى مَا فَرَطْتُ فِي حَبْلِ اللَّهِ...» (زمر/۵۶) «تا مبدا کسی فریاد و احسرتا برآرد و گوید: ای وای بر من که جانب امر خدا را فرو گذاشتم...» فرمودند: «جنب الله» فقط علی (علیه‌السلام) است و او حجت خدا بر خلق است. وقتی که روز قیامت فرا رسد، خداوند به نگهبانان جهنم امر می‌کند که کلیدهای آن را به آن حضرت بسپارند و هر کس را بخواهد داخل کند و هر که را بخواهد نجات می‌دهد. همانا پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمودند: «ای علی هر که تو را دوست دارد، مرا دوست داشته است و هر که تو را دشمن دارد، مرا دشمن داشته است. ای علی تو برادر من و من برادر تو هستم و لوای حمد در قیامت با توست...» (کوفی، ۱۴۱۰: ۳۶۶) امام سجاد (علیه‌السلام) در این آیه در پی تبیین جایگاه و منزلت امام علی (علیه‌السلام) است و به همین دلیل تفسیر خود را به کلامی از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مزین فرموده است تا اهمیت و پذیرش موضوع را دو چندان کند.

نمونه دیگر این که امام سجاد (علیه‌السلام) در تفسیر آیه‌ی: «...إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَ اللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (انفال/۴۸) «...من قوایی (از فرشتگان آسمان) می‌بینم که شما نمی‌بینید و من از خدا می‌ترسم و عقاب خداوند بسیار سخت است» می‌فرماید: زمانی که مجاهدین اسلام در جنگ بدر تشنه شدند، علی (علیه‌السلام) بر سر چاه «قلب» رفت تا برای آن‌ها آب فراهم کند. بر سر چاه بود که ناگهان طوفان تندی برخاست. آن حضرت خود را خم کرد تا صدمه‌ای نبیند و این طوفان سه بار تکرار شد. وقتی که نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و یارانش برگشت، پیامبر را از این موضوع با خبر ساخت. رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمودند: در طوفان اولی جبرئیل با هزار تن دیگر از فرشتگان فرود آمدند و در طوفان دوم میکائیل به همراه

هزار نفر دیگر از فرشتگان نازل شدند و در طوفان سوم اسرافیل همراه با هزار نفر دیگر از فرشتگان بر زمین فرود آمدند. همه آن‌ها بر تو درود فرستادند. آنان مددکار ما هستند. هنگامی که فرود آمدند، ابلیس آن‌ها را دید و به عقب برگشت و سپس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) این آیه شریفه را قرائت فرمود: ﴿إِنِّي أَرَى مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (عیاشی، ۱۳۸۰: ۲، ۶۵)

۳-۲. روش تفسیر عقلی

عقل یکی دیگر از منابع و ابزار تفسیر قرآن کریم است. به بیانی عقل انسان از حجت برخوردار است که برای درک مفاهیم وحی و سنت الهی می‌توان از آن بهره جست. منظور از تفسیر عقلی، تبیین و تفسیر آیات نورانی قرآن کریم بر اساس روش تعقلی است و این تفسیر و تبیین با تدبر و تعمق در قرآن و درک مفاهیم و معانی آیات به وسیله عقل که خود «حجت باطنی» و پیامبر درونی در وجود انسان است، محقق می‌شود. (جلالیان، ۱۳۷۸: ۹۵) قرآن کریم نیز در آیات مختلفی بر این مهم، مهر تأیید زده و می‌فرماید: ﴿كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ﴾ (ص/۲۹)؛ این کتاب پر برکتی است که آن را بر تو نازل کرده‌ایم تا آیاتش را تدبیر کنند و خردمندان متذکر شوند.

گاهی از این روش، به عنوان روش تفسیر اجتهادی هم نام برده می‌شود و گاهی تحت عنوان یکی از اقسام روش تفسیر به رأی (به تفسیر آیه براساس نظر شخصی و بدون توجه به قرائن عقلی و نقلی، تفسیر به رأی گویند. این گونه روش، شیوه‌ای باطل در تفسیر قرآن است و در حقیقت، روش تفسیری بلکه تفسیر قرآن نیست و تعبیر مسامحی است که برای یادآوری خطر آن به کار می‌رود.) از آن یاد می‌شود و گاهی هم با گرایش فلسفی تفسیر یکسان انگاشته می‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱، ۳۷) به بیانی روشن، صاحب‌نظران در تعریف روش تفسیر عقلی، همواره دچار ابهام و تردید شده‌اند و هر کدام دیدگاهی متفاوت ارائه داده‌اند. در این میان، رضایی اصفهانی این‌گونه بیان کرده است که: «روش تفسیر عقلی قرآن عبارت است از استفاده‌ی ابزاری از برهان و قرائن عقلی در تفسیر برای روشن کردن مفاهیم و مقاصد آیات قرآن، که در این صورت عقل منبع و ابزار تفسیر قرآن شده و احکام و برهان‌های عقلی قرائنی برای تفسیر آیات قرار می‌گیرد. از این عقل با عنوان عقل اکتسابی و احکام عقلی قطعی یا عقل برهانی یاد می‌شود. در تعریف دیگری چنین می‌گوید: استفاده از نیروی فکر در جمع‌بندی آیات (همراه با توجه به روایات، لغت و ...) و استنباط از آن‌ها برای

روشن ساختن مفاهیم و مقاصد آیات، نیز همان تفسیر اجتهادی قرآن است.» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲: ۱۹۲) این روش تفسیری را در قرآن و سنت می‌توان جستجو کرد، چه بسا که برخی از آیات خود گواه بر این هستند که دارای براهین عقلی هستند. (انبیاء/۲۲؛ انعام/۱۰۳)

با دقت و بررسی در روش تفسیری پیامبر (صلی الله علیه و آله) این امر مهم ملموس است که ایشان در تفهیم و تبیین آیات از روش تفسیر عقلی استفاده می‌کردند و کیفیت اجتهاد عقلی در فهم نصوص وارده از آیات قرآن یا سنت را به اصحاب خویش آموزش می‌داده‌اند. (ر.ک: ایازی، ۱۴۱۴: ۴۰) علاوه بر این، به پیروی از شیوه تفسیری پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله)، این روش تفسیری همواره مورد توجه عترت ایشان نیز بوده است. امام سجاد (علیه‌السلام) نیز با کمک برهان و قواعد عقلی آیات را تفسیر می‌کردند. ثابت بن دینار می‌گوید: از امام سجاد (علیه‌السلام) سؤال کردم: آیا خداوند عزوجل مکان معین و مشخص دارد؟ حضرت فرمودند: خدا منزّه از آن است. عرض کردم: پس چرا پیامبرش (صلی الله علیه و آله) را به آسمان برد؟ حضرت فرمودند: تا به او ملکوت آسمان‌ها، مصنوعات عجیب و مخلوقات را نشان دهد. عرض کردم: مقصود از این کلام الهی چیست که می‌فرماید: ﴿ثُمَّ ذَنَا فَتَدَلَّى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾ (نجم/۱۵)؛ سپس نزدیک آمد و بر او نازل گردید به نزدیکی دو کمان یا نزدیکتر از آن. حضرت فرمودند: مقصود از فاعل «ذنا» رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است؛ چرا که آن حضرت نزدیک به حجاب‌های نور شده و ملکوت آسمان‌ها را دیدند، سپس سرازیر شده و از پایین به ملکوت زمین نگرستند؛ به قدری که خود را نزدیک زمین دیدند. ﴿قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾ یعنی خود را به نزدیکی دو کمان یا نزدیکتر از آن نسبت به زمین مشاهده فرمود. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵: ۵، ۸۶ به نقل از ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۱، ۱۳۱) همچنان که مشهود است، پاسخ امام (علیه‌السلام) در برابر سؤال از علت معراج رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، پاسخی تعقلی می‌باشد که ایشان به کمک قواعد عقلی بهترین و نزدیکترین تفسیر را ارائه نمودند.

۲-۴- روش تفسیر قرآن به تاریخ

قرآن کریم کتاب تاریخ نیست، بلکه کتاب هدایت و مایه‌ی سعادت بشر است و تمام اهدافش دستیابی و رسیدن انسان به برنامه‌های سعادت و خودسازی است، اما در ذیل همین اهداف در آیات بسیاری به بازگویی اهم قصه‌ها و تاریخ گذشتگان پرداخته است

و انسان را به تفکر در احوال گذشتگان دعوت می‌کند، تا با بیان این حقایق عبرت گیرند. (یوسف/۱۱۱؛ روم/۴۲؛ آل عمران/۱۳۷) به نوعی تاریخ همانند دیگر ابزار و علوم مورد نیاز مفسر، ابزاری برای تفسیر و تبیین بسیاری از آیات است.

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و ائمه اطهار (علیهم السلام) با کسب آگاهی کامل و وافر از جریانات تاریخی به تفسیر آیات پرداختند و از این باب برای تفسیر قرآن بهره‌ها جستند. امام سجاد (علیه السلام) در تفسیر این دسته از آیات به طور مفصل و دقیق، آن قصه و جریان تاریخی را همه‌جانبه بررسی کرده و شرح داده است. به نوعی با نگاه به جنبه تاریخی آیات، ذهن مخاطب را از هر گونه شبهه و سؤالی مبرا داشته و آن موضوع و مسأله را موشکافانه تفسیر کرده است. به عنوان نمونه در داستان پسران آدم (علیه السلام) (مائده/۳۰-۳۱) چنین روایت است که شخصی گوید: از امام سجاد (علیه السلام) که با مردی از قریش سخن می‌گفت، شنیدم که فرمود: هنگامی که پسران آدم قربانی را تقدیم کردند از صاحب قوچ که هابیل بود، پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. قابیل خشمگین گشت و به هابیل گفت: به خدا سوگند تو را خواهم کشت. هابیل گفت: گناه من چیست؟ (قَالَ إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ) (مائده/۲۷) (امام (علیه السلام) آیه را تا) (فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ...) (تلاوت کرد و فرمود:) قابیل بر نحوه کشتن برادرش آگاه نبود تا اینکه با تحریک شیطان و وسوسه نفسش سر او را در میان دو سنگ خرد کرد. بعد از قتل برادرش دچار حیرت و پریشانی بود و نمی‌دانست جنازه او را در کجا قرار دهد تا اینکه دو زاغ در کنار او فرود آمده و بعد از جدال یکی از آن‌ها دیگری را کشته و او را در میان خاک‌ها دفن نمود. قابیل که ضعف خود را مشاهده کرده بود با خود گفت: وای بر من که بسان این کلاغ هم نبودم تا بتوانم جسم برادرم را به خاک سپارم. او سپس گودالی کوچک را حفر نمود و هابیل را در میان آن نهاد. قابیل بعد از آن به خانه بازگشت و آدم (علیه السلام) که هابیل را همراه او ندید از وی پیرامون فرزند کوچکش توضیح خواست. قابیل که از جواب صریح به پدرش طفره می‌رفت؛ ناگزیر او را به محل قتل برادرش آورد و پرده از جنایت خویش برداشت. آدم (علیه السلام) آن زمینی را که خون فرزندش را در خود بلعیده بود، به لعنت یاد کرد و بدین خاطر است که بعد از آن هیچ خاکی خون انسان را در خود فرو نمی‌برد. آنگاه آدم در فراق فرزندش چهل شبانه روز گریست. در روایتی نیز چنین آمده است که قابیل پسر آدم با موی دو طرف سرش آویزان به قرص خورشید است و خورشید به هر طرف

برود او را با خود می‌برد، هم در گرمای تابستانش و هم در زمهریر زمستانش و این شکنجه را تا روز قیامت دارد، و چون قیامت شود خدای تعالی او را در آتش دوزخ جای می‌دهد (عیاشی، ۱۳۸۰: ۱، ۳۱۱) بنابراین امام (علیه‌السلام) با مراجعه به تاریخ، آیه را با شرح و تفصیل بیشتری تفسیر کرده است و با بیانی رسا به سؤالات ممکن در این زمینه پاسخ گفته است.

نقل شده که امام سجاد (علیه‌السلام) در ذیل تفسیر آیه (قَالَ يَا بُنَيَّ لَا تَقْصُصْ رُؤْيَاكَ عَلَىٰ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ) (یوسف/۵)؛ یعقوب گفت: ای فرزند عزیز، زنه‌ار خواب خود را بر برادران حکایت مکن که (به اغوای شیطان) بر تو مکر (و حسد) خواهند ورزید؛ زیرا دشمنی شیطان بر آدمی بسیار آشکار است. فرمودند: اولین بلایی که بر یعقوب و اهل بیتش وارد شد، حسدی بود که برادران یوسف پس از استماع خواب بر او بردند. امام (علیه‌السلام) فرمودند: رقت و عطوفت یعقوب بر یوسف از آن پس زیاد شد و می‌ترسید آنچه را که خداوند به او وحی نموده و وی را مستعد برای بلا گردانده موردش تنها یوسف باشد. از این‌رو در بین فرزندان به خصوص به یوسف (علیه‌السلام) رقت و مهربانی فوق‌العاده‌ای نشان می‌داد. برادران یوسف (علیه‌السلام) وقتی رفتار یعقوب (علیه‌السلام) را نسبت به آن حضرت مشاهده کردند و دیدند که پدر چگونه یوسف را تکریم می‌کند، برایشان گران آمد... و گفتند: یوسف و برادرش نزد پدر ما از ما محبوب‌ترند... این چنین بود که بر او حسد بردند. (ر.ک: حویزی، ۱۴۱۵: ۲، ۴۱۲) در ادامه همین روایت به سؤالاتی که در ذهن مخاطبشان پیش می‌آمد، جواب دادند. ابو حمزه ثمالی می‌گوید: محضر امام (علیه‌السلام) عرض کردم: روزی که یوسف را در چاه انداختند چند سال داشت؟ حضرت فرمود: نه سال از عمرش گذشته بود. عرض کردم: بین منزل یعقوب در آن روز تا مصر چقدر فاصله بود؟ حضرت فرمودند: دوازده روز راه. در ادامه روایت، ضمن اثبات بی‌گناهی حضرت یوسف (علیه‌السلام) این چنین فرموده است که: یوسف (علیه‌السلام) زیباترین مردم اهل زمان خود بود و وقتی به سن نزدیک بلوغ رسید، همسر عزیز مصر از روی هوای نفس به او اظهار عشق می‌نمود. اما آن حضرت نمی‌پذیرفت... تا اینکه همسر عزیز در قصر را به روی آن حضرت بست و گفت وحشت نداشته باش. آنگاه خود را به طرف یوسف انداخت، آن حضرت به سمت در قصر فرار کرد و وقتی به در رسید، آن را گشود. در این وقت همسر عزیز به او رسید و از پشت پیراهن یوسف را کشید و

پاره شد. در این هنگام عزیز مصر از راه رسید... وقتی خواست حضرت را مؤاخذه کند، کودکی در قصر به عنوان مهمان حضور داشت که شاهد جریان بود و او با اینکه از اهل و خانواده عزیز بود؛ اما صداقت را رعایت کرد و به نفع یوسف (علیه السلام) نظر داد... (ر.ک: حویزی، ۱۴۱۵: ۲، ۴۱۴)

از روایت تفسیری امام (علیه السلام) چنین برمی آید که ایشان با نگاهی تاریخی و نیز بیانی شیرین، داستان حضرت یوسف را از زوایای مختلف ذیل آیات مرتبط شرح داده است و همه نکات مهم اخلاقی و تربیتی آن را تصریح کرده است. در آخر نیز عصمت و بی گناهی حضرت یوسف را تأیید کرده و از کودکی به عنوان شاهد و گواه بر صدق و درستی آن حضرت یاد کرده است.

۲-۵- تفسیر قرآن با ادعیه

علاوه بر روش های معروف تفسیری، می توان از ادعیه اهل بیت (علیهم السلام) به عنوان منبع و سندی متقن در تفسیر آیات قرآن بهره جست. ادعیه مأثور از ائمه (علیهم السلام) سرشار از معارف والای دینی و مضامین عالی هستند و گاهی به طور صریح بخش هایی از قرآن را تفسیر می کنند. نمونه بارز این روش را می توان در مراحل زندگی پربار امام سجاد (علیه السلام) یافت. با نگاهی به دعاها و مناجات آن حضرت، کاملاً مشهود است که امام (علیه السلام) مفسر کلام وحی در قالب دعا و نیایش نیز بوده است.

«صحیفه سجادیه» یکی از ارزشمندترین آثار آن حضرت است که حاوی ادعیه و نیایش هایی با مضامین عالی بوده و از محورهای گوناگون با قرآن پیوند خورده است. با نگرشی عمیق و دقیق در دعاها امام (علیه السلام) این مهم به چشم می خورد که گرچه قالب بیان دعا است، اما عمق آن دعاها سرشار از تعالیم وحی الهی هستند.

امام سجاد (علیه السلام) در دعای خود درباره حاملان عرش خدا و فرشتگان مقربش چنین گفته است: بار الها! بر حاملان عرش درود فرست که هرگز از تسبیح تو خسته نمی شوند و از تقدیست به تنگ نمی آیند و از عبادت تو به ستوه نمی آیند. هرگز کوتاهی کردن در انجام وظیفه را بر جدیت بر امر تو ترجیح نمی دهند و از وله و عشق ورزیدن به تو غافل نمی شوند و به اسرافیل که صاحب صور شاخص است، آن که همواره در انتظار فرمان توسست، تا با دمیدن در آن، خفتگان در قبور و گروگان های گور را بیدار کند و به میکائیل، آن فرشته آبرومند در درگاهت که از اطاعتت مکانی رفیع یافته و جبرئیل که امین بر وحی توسست و فرمانش در آسمان هایت نافذ است و نزد تو مکانی

دارد و مقرب درگاه توست و به روح، که مسلط بر ملائکه حجابهاست... بار الها! هم بر ایشان درود بفرست و هم بر ملائکه‌ی پایین‌تر از آنان، آن‌ها که ساکنان آسمان‌هاست و اهل امانت بر رسالت هستند، آن‌هایی که دائم در عبادت بودن خسته‌شان نمی‌کند و از غلبه خواب و خستگی سست نمی‌شوند... پروردگارا! پس درود بفرست بر ایشان و بر روحانیان از فرشتگان و مقربان درگاهت و حاملان غیب به سوی رسولانت و آن‌ها که بر وحیت امین تو شدند و دسته‌های مختلف از فرشتگانت، که تو آنان را به خودت اختصاص دادی و با تقدیست، از طعام و نوشیدنی‌ها بی‌نیازشان کردی و در باطن طبقات آسمان‌هاست جای دادی و آن‌ها که در اطراف آسمان‌هاست قرار دارند، تا روزی که فرمانت صادر شود، بساط خلقتت را برچینند... و سفیران کرام برره و حافظان کرام نویسنده و ملک الموت و کارکنانش و منکر و نکیر و مبشر و بشیر و رومان «رومان فتان القبور» یعنی ملکی که صاحبان قبر را برای امتحان و آزمایش طلب می‌کند. (مدنی، ۱۴۱۱: ۲، ۶۶) و طواف‌کنندگان بیت معمور و مالک دوزخ و خازنان آن و رضوان بهشت و پرده‌داران آن و آن فرشتگانی که آنچه تو دستور می‌دهی بدون عصیان فرمان می‌برند: ﴿...لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ﴾ (تحریم ۶۷) و آنهایی که به اهل بهشت می‌گویند: ﴿سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾ (رعد/۲۴) و وقتی که دستور می‌رسد: ﴿خُذُوهُ فَغُلُّوهُ ثُمَّ الْجَحِيمَ صَلُّوهُ﴾ (حاقه ۳۰-۳۱) به سرعت می‌شتابند و مهلتشان نمی‌دهند، خدایا به همه این‌ها که به ذکر نامشان ملهم شدیم، درود فرست، هر چند که ما به مکان و منزلت یک‌یک آن‌ها در درگاه تو آشنا نیستیم و نمی‌دانیم به چه کاری موکلند و به ساکنان هوا و زمین و آب و هر کس از ایشان که موکل بر خلقند. بار الها! بر همه‌شان درود بفرست، در آن روز که هر کسی وقتی می‌آید یک سائق با او هست و یک گواه، بر همه‌شان درودی بفرست که کرامتی بر کرامتشان و طهارتی بر طهارتشان بیفزاید. (ر.ک: علی بن حسین، ۱۳۷۶: ۳۸)

امام (علیه‌السلام) در این دعا گاهی بخشی از آیه قرآن را در بیان دعای خود به کار برده است و گاهی خود آیه قرآنی را ادامه متن دعا آورده است به نوعی از آیه قرآنی اقتباس کرده و بدین ترتیب با الهام گرفتن از قرآن، به تفسیر آیات در قالب دعا پرداخته است. (اگر چه با بینامتنیت قرآن مرتبط است ولی می‌تواند یکی از روش‌های امام (علیه‌السلام) باشد.) به نظر می‌رسد این دعا تفصیل و تفسیر آیه‌ی: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعًا...﴾ (فاطر ۱۷)

«سپاس خدای راست که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و فرشتگان را رسولان (پیغمبران خود) گردانید و دارای دو و سه و چهار بال و پر (قدرت) قرار داد...» باشد، چرا که به‌طور صریح به ابعاد این آیه اشاره کرده است. ملائکه را حاملان غیب برای رسولانش معرفی نموده که هر کدام برای کاری مأمور شده‌اند و در آسمان‌ها نزد خداوند تعالی تقدیس می‌شوند. بدین ترتیب در ضمن دعای طولانی آیه را تبیین کرده و با بسط و گسترش، آن را تفسیر می‌کند.

خداوند متعال در قرآن کریم چنین می‌فرماید: ﴿الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا﴾ (غافر/۷) «فرشتگانی که عرش (با عظمت الهی) را بر دوش گرفته و آنان که پیرامون عرشند، به تسبیح و ستایش حق مشغول‌اند، هم خود به خدا ایمان دارند و هم برای اهل ایمان از خدا آمرزش و مغفرت می‌طلبند.» در این آیه فرشتگان حاملان عرش الهی هستند و به تسبیح خدا مشغولند و بر انسان‌ها طلب استغفار می‌کنند. در دعای امام سجاد (علیه‌السلام) نیز فرشتگان به عنوان حاملان عرش هستند. سنجش آیه قرآنی و این دعای امام (علیه‌السلام) وجود رابطه‌ای میان انسان و حاملان عرش را یادآور می‌شود. حضرت (علیه‌السلام) در دعای بیستم درباره مکارم اخلاق این چنین می‌فرماید: «... بار خدایا بر محمد و آل او درود فرست و مرا به زینت صالحین و شایستگان آراسته فرما و زیور پرهیزگاران را به من بپوشان...» (ر.ک: علی بن حسین، ۱۳۷۶: ۹۶) این در صورتی است که خداوند متعال می‌فرماید: ﴿...فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ...﴾ (انفال/۱) «... پس اگر مؤمن هستید (نسبت به انفال) از خدا پروا کنید و (اختلاف و نزاع) بین خود را (درباره آن) اصلاح نمایید». امام سجاد (علیه‌السلام) اصلاح «ذات‌البین» (آن حالت و رابطه بدی است که میان دو فرقه یا دو فرد پدید می‌آید. طباطبایی، ۱۳۹۰: ۹، ۶) را زیور صالحان و متقیان شمرده و در دعای خود آن را از خداوند منان می‌طلبد.

۶-۲- تعیین مصداق

روش‌های تفسیری مذکور، در دستیابی به اهداف و مقاصد وحی الهی بسیار کارآمد هستند و هر کدام به نوعی در تبیین آیات الهی مؤثر و مفید واقع شده‌اند؛ اما گاهی مصادیقی در بطن آیات نهفته است که باید آن‌ها را در سنت و عترت، جستجو کرد. امام سجاد (علیه‌السلام) از جمله معصومانی است که این روش، در شیوه تفسیری آن

حضرت فراوان به چشم می‌خورد. در ذیل آیه‌ی ﴿أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَىٰ عَلَىٰ مَا فَرَطْتُ فِي جَنبِ اللَّهِ وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ﴾ (زمر/۵۶)؛ تا مبدا کسی فریاد واحسرتا برآرد و گوید: ای وای بر من که جانب امر خدا را فرو گذاشتم و وعده‌های خدا را مسخره و استهزا نمودم. در این آیه فرموده‌اند که منظور از جنب الله، حضرت علی (علیه‌السلام) است و اوست حجت خدا بر مردم در روز قیامت. که حجت خدا بر خلق در روز قیامت است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۴، ۴۹۵) و نیز در آیه‌ی: ﴿...ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً...﴾ (بقره/۲۰۸)؛ ... همگی در عرصه تسلیم و فرمان‌بری [از خدا] در آید... . سلام و سلامت را ولایت امام علی (علیه‌السلام) معرفی کرده است. (بحرانی، ۱۴۱۵: ۱، ۴۴۷) در ذیل آیه‌ی: ﴿وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ﴾ (نور/۵۵)؛ خدا به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده داده است که حتماً آنان را در زمین جانشین (دیگران) کند، همان‌گونه که پیشینیان آنان را جانشین (دیگران) کرد و قطعاً دینشان را که برای آنان پسندیده، به سودشان استوار و محکم نماید و یقیناً ترس و بیمشان را تبدیل به امنیت کند، (جایی که) فقط مرا بپرستند (و) هیچ چیزی را شریک من نگیرند و آنان که پس از این نعمت‌های ویژه ناسپاسی ورزند، (در حقیقت) فاسق‌اند. می‌فرماید: به خدا قسم منظور از مؤمنین در این آیه، شیعیان ما اهل‌بیت هستند و این امور را خداوند برای آنان به دست مردی از ما انجام می‌دهد و او مهدی این امت است و او همان کسی است که رسول اکرم درباره‌اش فرمود: اگر از دنیا به جز یک روز باقی نماند، خداوند آن را آن قدر طولانی سازد تا مردی از عترت من بیاید که همانم و هم کنیه من باشد، زمین را از برابری و دادگری پر می‌کند چنانکه (از نابرابری و ستمگری پر شده باشد). (طبرسی، ۱۴۱۲: ۳، ۱۱۷) ذیل آیه‌ی: ﴿أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ... مِمَّنْ هَدَيْنَا وَ اجْتَبَيْنَا...﴾ (مریم/۵۸)؛ اینان کسانی از پیامبران بودند که خدا به آنان نعمت داد... از کسانی که آنان را هدایت کردیم و برگزیدیم... . در روایتی از امام سجاد (علیه‌السلام) آمده است که مقصود از این آیه، ما هستیم. (بحرانی، ۱۴۱۵: ۳، ۷۲۳) هم‌چنین ذیل آیه ﴿وَ مَنْ يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ...﴾ (لقمان/۲۲)؛ و هر کس روی تسلیم و رضا به سوی خدا آرد و نکوکار باشد، چنین کسی

به محکم‌ترین رشته الهی چنگ زده است. از امام (علیه السلام) روایت است که فرمود: مراد از «بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَى» دوستی آل محمد (صلی الله علیه و آله) است. (بروجردی، ۱۳۶۶: ۵، ۲۹۵)

درباره آیه‌ی: «إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَأْدُكَ إِلَيْهِ مَعَادٍ...» (قصص/۸۵)؛ یقیناً کسی که (ابلاغ و عمل کردن به) قرآن را بر تو واجب کرده است، حتماً تو را به بازگشت‌گاه (رفیع و بلند مرتبه‌ات، شهر مکه) بازمی‌گرداند. فرمود: پیامبر شما، امیرالمؤمنین و ائمه (علیهم‌السلام) به سوی شما باز خواهند گشت. در حقیقت آیه را به رجعت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و اهل بیت (علیهم‌السلام) تفسیر کرده است. (حویزی، ۱۴۱۵: ۴، ۱۴۴)

نتیجه‌گیری

روش‌های تفسیری امام سجاد (علیه‌السلام) هدفمند و الگویی برای اهل تفسیر است و علاوه بر این امام سجاد (علیه‌السلام) در روایات تفسیری خود، به شرح و تفسیر مقاصد خداوند متعال پرداخته است. با بررسی این روایات تفسیری این مهم حاصل می‌شود که امام (علیه‌السلام) با در نظر گرفتن شرایط زمانی خود در تفسیر، گاهی با کمک آیات قرآن، گاهی با استناد به سنت و نیز با به‌کارگیری عقل برهانی و مراجعه به تاریخ و تعیین مصداق برای برخی آیات، پرده از حقایق برداشته و آیات را تفسیر کرده‌اند. عملکرد ایشان در تعیین مصداق نشان از این دارد که با توجه به اوضاع نابسامان آن عصر و کوشش حکومت اموی در از بین بردن فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام)، همواره در صدد بازسازی اصول و تفکر شیعه و تبیین جایگاه معصومان (علیهم‌السلام) به ویژه امام علی (علیه‌السلام) بوده است. با مراجعه به ادعیه امام سجاد (علیه‌السلام) مشاهده می‌شود که آن حضرت با بیان دعاها و مناجات بی‌ظنیش قرآن را تفسیر کرده است و به بیانی دعاهای ایشان الهام گرفته از قرآن و تجسم عینی وحی الهی است.

کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. علی بن الحسین (امام چهارم علیه السلام)، ۱۳۷۶: الصحیفة السجادیة، قم: دفتر نشر الہادی.
۳. ابراهیم حسن، حسن، ۱۳۷۶: تاریخ سیاسی اسلام، تهران: انتشارات جاویدان.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۸۵: علل الشرائع، قم: کتابفروشی داوری.
۵. _____، ۱۴۰۳: معانی الأخبار، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۶. ابن فارس، احمد بن فارس، ۱۴۰۴: معجم مقایس اللغة، قم: مکتبه الاعلام الاسلامیه.
۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴: لسان العرب، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، دار صادر.
۸. ابازی، محمد علی، ۱۴۱۴: المفسرون، حیاتهم و منهجهم، تهران: وزارت ارشاد.
۹. بابایی، علی اکبر، ۱۳۸۱: مکاتب تفسیری، قم: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت).
۱۰. بروجردی، محمد ابراهیم، ۱۳۶۶: تفسیر جامع، تهران: کتابخانه صدر.
۱۱. بحرانی، هاشم بن سلیمان، ۱۴۱۵: البرهان فی تفسیر القرآن، قم: موسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه.
۱۲. جلالیان، حبیب الله، ۱۳۷۸: تاریخ تفسیر قرآن کریم، تهران: اسوه.
۱۳. حویزی، عبد علی بن جمعه، ۱۴۱۵: تفسیر نور الثقلین، قم: اسماعیلیان.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲: مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دارالشامیه.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمد علی، ۱۳۸۷: تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۶. _____، ۱۳۸۲: درسنامه روش‌ها و گرایش‌های تفسیری قرآن، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۷. شریف قرشی، باقر، ۱۴۰۹: حیاة الإمام زین العابدین، بیروت: دارالأضواء.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، ۱۳۹۰: المیزان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه علمی للمطبوعات.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۱۲: تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت.
۲۰. طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵: مجمع البحرین، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۱۴: الأمالی، قم: دارالثقافه.

۲۲. عاملی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹: وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام.
۲۳. عمید زنجانی، عباسعلی، ۱۳۶۷: مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۴. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰: تفسیر عیاشی، تهران: مکتبه العلمیه الاسلامیه.
۲۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، بی‌تا: العین. قم: نشر دارالهجره، چاپ دوم.
۲۶. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۴۱۵: الصافی فی التفسیر کلام الله، تهران: مکتبه الصدر.
۲۷. فیومی، احمد بن محمد، بی‌تا: المصباح المنیر، قم: مؤسسه دارالهجره.
۲۸. قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳: تفسیر القمی، قم: دار الکتاب.
۲۹. کوفی، فرات بن ابراهیم، ۱۴۱۰: تفسیر فرات الکوفی، تهران: وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، مؤسسه الطبع و النشر.
۳۰. مدنی، علی خان، ۱۴۱۱: ریاض السالکین فی شرح صحیفه سید الساجدین، قم: نشر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۳۱. معرفت، محمد هادی، ۱۳۷۹: تفسیر و مفسرون، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
۳۲. مفید، محمد بن محمد، ۱۴۱۳: الإرشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، قم: کنگره شیخ مفید.
۳۳. هندی، متقی بن حسام الدین، ۱۴۱۳ق: کنز العمال، به کوشش: صفوة السقاء، بیروت: الرسالة.